



Volume 1, Issue 1, 2021

Obstacles to the Implementation of Stoning Punishment from the Perspective of International Human Rights and the Approach of Iranian Jurisprudence and Criminal Law

Sanaz Badri Moghadam¹, Parviz Zokaeian^{*2}, Beitollah Divsalar³

1. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, Chalous Branch, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law Fundamentals, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 201-212

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0002-6809-9310

TELL: +981152226601

Email: pzokaiyan59@gmail.com

Article history:

Received: 21 Oct 2020

Revised: 31 Dec 2020

Accepted: 20 Feb 2021

Published online: 21 Mar 2021

Keywords:

Stoning, Human Rights, Proportionality of Crime and Punishment, Adultery.

ABSTRACT

Stoning is one of the punishments that has always been the subject of discussion and criticism, even though this punishment is documented from a jurisprudential point of view in the book, tradition and consensus among jurists. Based on this, the purpose of this article is the obstacles to the implementation of the punishment of stoning from the perspective of human rights rules and the approach of Iranian jurisprudence and criminal law. The findings indicate that the harshness of stoning, the opposition of stoning to the judgment of reason and human nature, the violation of the principle of fair trial, the non-observance of the principle of proportionality of crime and punishment are among the most important obstacles to the implementation of stoning punishment from the perspective of human rights. The fulfillment of the conditions for the execution of the punishment of stoning is so precise, rare and strict that it practically minimizes the possibility of its fulfillment. The conditions for the implementation of stoning are also such that it provides legitimate excuses for not fully implementing this sentence. In Article 222 of the 2013 Penal Code, the legislator has explicitly stated that adultery is stoning for, it will result in imprisonment and imprisonment for adultery, otherwise it will result in one hundred lashes for each. In the current society of Iran, with criticisms from human rights and civil activists, in the new punishment law of 2013, it is possible to convert this punishment into execution and flogging.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Badri Moghadam, S; Zokaeian, P & Divsalar, B (2021). "Obstacles to the Implementation of Stoning Punishment from the Perspective of International Human Rights and the Approach of Iranian Jurisprudence and Criminal Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(1): 201-212.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

موانع اجرای مجازات رجم از منظر حقوق بین‌الملل بشر و رویکرد فقه و حقوق کیفری ایران

ساناز بدری مقدم^۱، پرویز ذکائیان^{۲*}، بیت‌الله دیوسالار^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

چکیده

رجم از مجازات‌هایی است که همواره محل بحث و نظر و انتقاد بوده است، این در حالی است که این مجازات از منظر فقهی به کتاب، سنت و اجماع میان فقها مستند شده است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر موانع اجرای مجازات رجم از منظر قواعد حقوق بشر و رویکرد فقه و حقوق کیفری ایران است. این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که خشن‌بودن سنگسار، مخالفت رجم با حکم عقل و فطرت انسانی، نقض اصل محاکمه عادلانه، عدم رعایت اصل تناسب جرم و مجازات از مهم‌ترین موانع اجرای مجازات رجم از منظر قواعد حقوق بشر است. تحقق شرایط اجرای مجازات سنگسار، به‌حدی دقیق، نادر و سختگیرانه است که عملاً امکان تحقق آن را به حداقل می‌رساند. شرایط اجرای سنگسار نیز به‌گونه‌ای است که بهانه‌های مشروعی را برای اجرانکردن کامل این حکم پیش‌بینی کرده است. قانون‌گذار در ماده ۲۲۲ قانون مجازات ۱۳۹۲ صراحتاً آورده است که حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه، چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هریک می‌باشد. در جامعه کنونی ایران با انتقادات از سوی حقوق بشر و فعالان مدنی در قانون جدید مجازات سال ۱۳۹۲ امکان تبدیل این مجازات به اعدام و شلاق فراهم گردیده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۰۱-۲۱۲

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۹۳۱۰-۹۳۰۹-۶۸۰۹-۰۰۲-۰۰۰۹-۰۰۰

تلفن: +۹۸۱۱۵۲۲۶۶۰۱

ایمیل: pzokaiyan59@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰

تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

رجم، حقوق بشر، تناسب جرم و مجازات، زنا.



مقدمه

سال‌هاست که محافل حقوق بشری، ایران را به‌خاطر برخی اقدامات خود، از جمله اجرای قانون سنگسار به‌عنوان ناقض حقوق بشر به جهان معرفی کرده و در موقعیت‌های مختلف ایران را محکوم کرده‌اند. آن‌ها به‌طور خاص اجرای قوانینی همچون سنگسار را به‌عنوان کیفرهایی ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و توأم با شکنجه تلقی کرده، آن را مغایر با تعهدات ایران در برخی معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و یا اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌دانند که ایران نیز سال‌هاست بدون هر نوع حق شرطی بدان‌ها پیوسته است، هرچند ایران معتقد است که اجرای چنین قوانینی هیچ‌گونه مغایرتی با تعهدات بین‌المللی‌اش، از جمله چهار کنوانسیون و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشری که به آن‌ها ملحق شده، ندارد، ولی متأثر از فضای حقوق بشری حاکم بر عرصه بین‌المللی، این انتقادات همواره به ایران وارد می‌شد (کدیور، ۱۳۸۸: ۱۶۰-۱۳۵). این در حالی است که رجم یکی از مجازات‌های مقرر در فقه اسلامی است که در مورد جرایمی همچون زنا یا محصنه اعمال می‌شود. فقها، اجرای رجم را مستند به کتاب، سنت و اجماع می‌دانند، هرچند حکم رجم در قرآن به صراحت بیان نشده و نسبت به اجماع اختلاف وجود دارد، اما مجازات رجم با استفاده از روایات وارده از سیره رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) به اثبات رسیده است. در همین حال، از سال ۱۳۶۱ با تصویب قانون حدود، رجم وارد حقوق جزای ایران شده است و در ماده ۸۳ قانون مجازات ۱۳۷۰ به صراحت آمده بود که حد زنا رجم است، اما با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ حد رجم نیز در قانون مذکور دستخوش تغییراتی شده است، به‌طوری‌که برابر ماده ۲۲۵، تحت شرایطی اعدام زانی محصن یا زانیه محصنه و نیز صد ضربه شلاق می‌تواند جایگزین مجازات رجم گردد. همچنین مواد قانونی مربوط به کیفیت اجرای مجازات رجم نیز در قانون مجازات ۱۳۹۲ حذف گردیده است. چنین وضعیتی طرح این سؤال را به‌دنبال دارد که اساساً موانع اجرای مجازات رجم از منظر قواعد حقوق بشر چیست و رویکرد فقه و حقوق کیفری ایران در این خصوص چگونه قابل تحلیل است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، موانع اجرای مجازات رجم

از منظر قواعد حقوق بشر بررسی شده و در ادامه از رویکرد فقه و حقوق کیفری در این خصوص بحث شده است.

۱- موانع اجرای مجازات رجم از منظر قواعد حقوق بشر

موانع اجرای مجازات رجم از منظر قواعد حقوق بشر عبارتند از:

۱-۱- خشن‌بودن سنگسار

یکی از ادله مخالفان مشروعیت حکم رجم این است که «همانا کیفر سنگسار در میان تمام کیفرهایی که انسان در مجازات مرگ تصور می‌کند قساوت‌بارترین کیفر است. نمی‌توان تصور کرد پیامبر اسلام که دارای قلب مهربان و رئوف بوده‌اند، مجازات مرگ را بر این کیفر که نشانه بالاترین مرتبه قساوت است، منطبق کرده باشند، مجازاتی که دل هر شنونده‌ای را می‌لرزاند» (زرقا، ۱۴۲۵: ۳۹۱).

در پاسخ به این ایراد باید گفت: ۱- در این‌که رجم از مجازات‌های بسیار خشن است، تردیدی نیست و نمی‌توان خشن‌بودن آن را انکار کرد. همچنین این‌که پیامبر (ص) برای جهانیان رحمت است (انبیا/۱۰۷)، تردیدی نیست قطعاً پیامبر اسلام مهربان‌ترین فرد برای تمام انسان‌ها بوده و رأفت او گسترده و فراگیر است تا جایی که افراد مجرم و جانی مشمول رأفت و رحمت آن حضرت هستند، بنابراین سرکوب، تحقیر، طرد و امثال آن جزء سیره آن حضرت نبوده است، بلکه ایشان به افراد، فرصت بازسازی خویش را می‌دادند و توصیه می‌کردند که خودشان را بیابند و بازپروری کنند. به‌عنوان مثال، زنی از طایفه غامد برای اقرار به فجور خویش به محضر مبارک آن حضرت شرفیاب شد و خطاب به ایشان عرض کرد یا رسول الله مرا با مجازات تطهیر نما آن حضرت فرمودند: «وای بر تو، برگرد و از خداوند متعال طلب غفران و آمرزش کن و به او بازگرد» (نیشابوری، ۱۴۲۶: ۲۰۱/۱۱). «چنانکه پیش از آن عین همان توصیه را به مالک ابن معاذ کرده بودند. همین سیره را پرورش یافتگان در دامان آن حضرت نیز داشته‌اند» (نیشابوری، ۱۴۲۶: ۱۹۹/۱۱)، چنانکه «عمرو بن حریث برای سرپرستی فرزند زنی که اقرار به فجور و درخواست طهارت از حضرت علی (ع) کرده بود، مراجعه کرد. حضرت برآشفتند و فرمودند که گنهکاران را باید به خدای خودشان واگذار کنید تا این‌که با توبه به خدا برگردند و اگر راضی به مجازات افراد می‌شدند، نه این‌که

تهدید می‌کند، خانواده و جامعه ارزشی را ویران می‌کند، به نظام انساب لطمه می‌زند و ارتباطات زناشویی شرعی و تربیت فرزندان را فاسد می‌کند. بنابراین زنا از خطرناک‌ترین گناهان و جرایم برای حیات انسانی و جامعه ارزشی است، به‌ویژه این‌که زنا باوجود شرایط احصان سقوط از انسانیت است که درصورت رواج آن رفتارهای تربیتی و اخلاقی نیز تأثیرگذار نخواهد بود، از این جهت اهتمام به حفظ اخلاقی و ارزشی جامعه، خانواده و فرد مستلزم آن است که در تدبیرهای جزایی شدیدترین و سخت‌ترین مجازات برای زنا منظور شود تا فکر ارتکاب فجور از سر انسان‌ها خارج شود، زدن تازیانه دردناک دلسوزی نکردن در زدن تازیانه و مشاهده صحنه اجرای کیفر که در قرآن بیان شده (نور/۲) و نیز سنگسار، می‌تواند بهترین تدبیر در بازداشتن اهل شقاوت و بدبختی نسبت به زنا و انجام فجور با وجود شرایط احصان شود» (مؤمنی، ۱۳۸۲: ۸۸-۷۸).

۱-۲- مخالفت رجم با حکم عقل و فطرت انسانی

ادعای مخالفت مجازات رجم با حکم عقل و فطرت انسانی ممکن است در اذهان بسیاری تداعی شود که چه عملی زشت‌تر و مشتمل‌کننده‌تر از سنگسار و مدفون کردن یک انسان در دل زمین و کشتن وی با زجر و شکنجه و آزار می‌باشد؟ چرا اسلام قوانین کیفری طاقت‌فرسایی مقرر داشته است؟ و آیا بهتر نبود مجازات‌های خفیف‌تری در این‌گونه موارد وضع می‌کرد؟ پاسخ: «اسلام دین عقل و فطرت است و اساس خداشناسی و سعادت و نجات را بر عقل و خرد می‌نهد، لذا در قرآن خطاب‌هایی همچون اولوالابصار وجود دارد که مردم را به اندیشیدن و تفکر فرا می‌خواند نیز در منابع اسلامی عقل از جایگاه والایی برخوردار است، برای نمونه حضرت علی (ع) در این‌باره می‌فرماید: جبرئیل بر آدم (ع) نازل شد و گفت من مأمورم که تو را میان سه موهبت مخیر، کنم تا یکی را برگزینی و بقیه را رها، کنی آدم گفت: آن‌ها چیست؟ جبرئیل گفت: عقل و حیا و دین آدم: گفت من عقل را برگزیدم جبرئیل به حیا و دین گفت: او را رها کنید، گفتند ما مأموریم در همه جا با عقل باشیم و از آن جدا نشویم، جبرئیل: گفت حال که چنین است به مأموریت خودتان عمل کنید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱/۱).

مجازات کردن خوشایند آن‌ها بوده است، بلکه اولاً انجام تکلیف الهی بوده است، چنانکه علی (ع) پس از کامل شدن چهار اقرار به خداوند متعال عرض کردند که شهادت کامل و انجام تکلیف منجز شده است» (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۱۰۵/۲۸)؛ ثانیاً «مجازات‌ها برای حفظ نظم، امنیت و آرامش جامعه اجرا می‌شده‌اند. طبیعی است که مجازات‌ها طبیعتی خشن دارند. اگر طبیعت آن‌ها لین و نرم باشد و آزاردهنده نباشد، خاصیتی ندارد و اگر یاغیان آرامش پیدا کنند، حیات را از عموم سلب می‌کنند. از این جهت است که در طول تاریخ و در تمام جوامع مجازات وجود داشته است» (کدخدایی و باقرزاده، ۱۳۹۰: ۵۱).

۲- سنگین بودن مجازات منافاتی با رحمت خداوند ندارد از خداوند متعال که رحمان و رحیم مطلق است، دستور به شدت عمل صادر شده است، چنانکه فرمود: «در مجازات زن و مرد زناکار و در انجام تکلیف در دین خدا رأفت نشان ندهید و گروهی مجازات‌شدن آن‌ها را ببینند» (نور/۲). خدای رحیم و رؤف مطلق عذاب‌های بسیار سخت و همیشگی را برای کفار، مشرکان و اهل معصیت منظور کرده است که عذاب خدا نیز برای اهل معصیت رحمت است، زیرا آن‌ها را تطهیر می‌کند» (کلانتری، ۱۳۸۸: ۱۰۱۱).

۳- اگر سنگین بودن مجازات سبب سلب و نفی آن مجازات شود، باب تمایلات و هواها گشوده می‌شود. هر کسی ممکن است مجازاتی را خشن و بی‌رحمانه بشمارد و به دلخواه سخن از نفی آن به میان آورد. به عبارت دیگر هر کسی ممکن است به استحسان حکمی را در شریعت اثبات کند و به استقباح حکمی را از شریعت نفی نماید. در این صورت، شریعت محل جولان افراد و اشخاص می‌شود؛ آن‌چه را از شریعت می‌پسندند، می‌پذیرند و آنچه را نمی‌پسندند، از شریعت سلب می‌کنند، در نتیجه شریعت دستخوش اراده‌ها و تمایلات افراد خواهد شد» (کدخدایی و باقرزاده، ۱۳۹۰: ۴۵).

۴- «به سبب اهمیت مسأله ازدواج و احترام کانون خانواده لازم است برای حفظ کیان آن، تدبیرهای مختلف اندیشیده شود، از جمله این تدبیرها، تدابیر جزایی و کیفری است که نسبت به رابطه غیراخلاقی و زشت زنا اعمال می‌شود، زیرا زنا مخالف، شرافت، کرامت و فضیلت انسانی است، بنیان جامعه ارزشی را

این امر مورد انتقاد برخی از فقهای داخلی نیز قرار گرفته است. یکی از فقهای معاصر در این زمینه چنین استدلال می‌کند ما علم قاضی را در بخش حدود حجیت نمی‌دانیم چگونه حجت باشد و حال آن که به حسب طبع با اقرار دو مرتبه یا سه مرتبه با شرایط ذکر شده علم حاصل می‌شود، ولی در عین حال باید اقرار مرتبه چهارم هم باشد تا حد جاری شود.

این فقیه برای اثبات دیدگاه خود به داستان اقرار زن باردار نزد امام علی (ع) که پیش‌تر ذکر کردیم، اشاره می‌کند و می‌گوید با آن که با یک مرتبه یا دو مرتبه اقرار برای قاضی علم حاصل می‌شود، اما حضرت چهار مرتبه اقرار را لازم دانست و علاوه بر آن بعد از دستور به تحقیق در مورد عقل زن و سلامتی او در هر مرتبه هیچ اقدام تأمینی انجام نداد، بلکه بعد از اطلاع از حامله بودن زن او را به بهانه وضع حمل و سرپرستی بچه از اکمال چهار مرتبه اقرار بازمی‌داشت.

پاسخ تمامی فقهای شیعه اتفاق نظر دارند که امام معصوم (ع) می‌تواند براساس علم خود قضاوت کند، اما در مورد غیرمعصوم اختلاف نظر وجود دارد.

بنابر نظریه مشهور حاکم در حقوق الله می‌تواند به علم و اطمینان خود عمل کند (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۷۸/۴۱)، اما در جرایم جنسی به‌ویژه زنا، برخی در اعتبار حکم مستند به علم قاضی تردید کرده‌اند و بعضی صریحاً اثبات این موارد را تنها با گواهی چهار مرد عادل امکان‌پذیر دانسته‌اند، حتی یکی از فقها که دیدگاه‌های سختگیرانه‌ای در باب امر به معروف و نهی از منکر دارد، گفته است. همه صحابه اتفاق نظر دارند که حاکم نمی‌تواند مرد مستوری را که هیچ گواهی علیه او نیست با استناد به این که علم به زناکار بودن او دارد، به کیفر رساند (ابن قیم الجوزیه، ۱۹۸۵: ۷).

احتمالاً مقصود از معتبر بودن علم امام در اثبات حدود موارد جرم مشهود است. لحن روایات و حتی عبارتهای فقیهان متقدم، با این احتمال سازگار است، در روایتی از امام صادق آمده است: «بر امام است هرگاه ببیند که مردی زنا می‌کند یا خمر می‌نوشد، حد را بر او جاری سازد و باوجود دیدن نیازی به بینه ندارد، چه

«این لطیف‌ترین تعبیری است که ممکن است درباره عقل با حیا و دین گفته شود، چراکه عقل اگر از دین جدا شود، به انحراف کشیده می‌شود دیگر عقل نیست به فرموده امام صادق (ع) شبیه عقل است و حیا که مانع انسان از ارتکاب زشتی‌ها و گناهان است، آن نیز ثمره طیبه عقل متدین است. اصولاً عقل سلیم انسان‌ها را به پیروی از قوانین شریعت دعوت می‌کند و آن‌ها را بر قوانین ساخته بشر ترجیح می‌دهد، زیرا واضع احکام شرع عالم و حکیمی است که به دور از اغراض شخصی و با احاطه کامل به سعادت بشر به او راه را نشان می‌دهد» (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۷۱/۴۱). «فطرت در لغت به معنای خلقت اصلی است» (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۶۵/۵). «پس از آنجایی که انسان فطرتاً خداجو و حق طلب است و عقل سلیم احکام الهی را والاترین و برترین احکام می‌داند احکام کیفری، اسلام، از جمله سنگسار نه تنها مخالف عقل و فطرت نیست، بلکه در راستای حمایت از عقل و فطرت انسانی تشریح شده است، زیرا از یک سو احتمال کیفر فوق‌العاده طاقت‌فرسا را در برابر مرتکبین این جرایم قرار داده تا جنبه بازدارندگی داشته باشد و از سوی دیگر راه اثبات آن را به‌گونه‌ای قانونمند ساخته تا در مقام عمل در این گونه موارد اعمال خشونت به‌طور وسیع انجام نگیرد. درحقیقت اسلام خواسته اثر تهدیدی و بازدارندگی این حکم کیفری را حفظ کند بدون این که افراد زیادی مشمول حکم سنگسار شوند» (بهشتی و واحد جوان، ۱۳۹۰: ۵۰-۳۵).

۱-۳- عدم رعایت محاکمه عادلانه

یکی از ایرادات حقوق بشری به مجازات سنگسار این است که در موارد اتهام به زنا، قانون مجازات اسلامی به قاضیان اجازه می‌دهد که حتی در صورتی که جرم از طریق معیارها و راه‌های تعیین شده در همان قانون مجازات اثبات نشده است، متهم را به مرگ محکوم کنند. ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به قاضیان اجازه مطلق می‌دهد که صرفاً براساس «علم» مستند قاضی که می‌تواند تصویر ذهنی از پرونده باشد، متهم را به مرگ به‌وسیله سنگسار محکوم کنند. این امر به وضوح مواد مربوط به محاکمه عادلانه در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (آی‌سی‌سی‌پی‌آر (ICCPR)) که ایران تصویب کرده و از جمله حق برابر در برابر، قانون، اصل برائت و حق محاکمه در دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف را نقض می‌کند.

زنا با علم قاضی قابل اثبات نیست و مفاد ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ را فقط می‌توانیم در مواردی جاری کنیم که قانون‌گذار به ادله اثبات جرم نپرداخته است، مانند جرایم مشمول تعزیرات و بازدارنده» (کلانتری، ۱۳۸۸: ۳۱۸-۲۹۵).

ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی جدید هم بیان می‌دارد: «علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین که در نزد وی مطرح می‌گردد». در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به‌طور صریح در حکم قید کند. باتوجه به این ماده مشخص می‌گردد که علم قاضی می‌بایست حاصل بینه باشد، منظور از بینه در هر جرمی در قانون و شرع مشخص گردیده است و شامل راه‌های اثبات آن نوع جرم می‌باشد. در مورد حدود الهی، از جمله زنا کلمه، بینه همان طرق شرعی و راه‌های اثبات تعیین شده توسط شارع مقدس می‌باشد و مستند علم قاضی می‌بایست جمع امارات قضایی و شرعی باشد. بنابراین موضوع و نوع جرم در قضاوت حائز اهمیت است، مثلاً در مورد حدود الهی علم قاضی در مورد صحت و راستی گفتار شهود جایگاه دارد آن هم زمانی که چهار شاهد وجود داشته باشد.

۱-۴- عدم رعایت اصل تناسب جرم و مجازات

برخی از مخالفان حکم سنگسار با استناد به ماده ۶ پیمان‌نامه حقوق مدنی و سیاسی که می‌گویند: «در کشورهایی که مجازات مرگ در آنجا هنوز لغو نشده، می‌توان برای جرایم فوق العاده مهلک و جدی آن را اجرا کرد. چنین استدلال می‌کنند که میزان مجازات‌ها باید متناسب با رفتار مجرمانه باشد. آن‌ها معتقدند بین جرم و مجازات زنا تناسب وجود ندارد. سؤال این است که چه مفاسدی در مورد زنا وجود دارد که چنین مجازات سنگینی (سنگسار) برای آن پیش‌بینی شده است؟ حداکثر جرم زناکار این است که به‌دلیل غلیان، شهوت دچار لغزش آنی شده است. این رفتار ضرری برای کسی ندارد که مقتضی مجازات سنگسار باشد.

پاسخ: اسلام با تصریح بر لزوم تناسب جرم و مجازات سازوکارهای کارآمدی بدین‌منظور پیش‌بینی کرده است. باید توجه داشت که مجازات زنا مراتب مختلفی دارد که متناسب با شدت و ضعف زنا، قابل مجازات است. مجازات‌های تعزیری

او امین خداوند در میان خلق اوست» (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۵۲۶/۱۸).

حتی بنا بر نظریه مشهور که حاکم می‌تواند به علم خود عمل کند، نباید برای کشف جرم در مواردی که شاکی خصوصی وجود ندارد، تحقیق و تفحص به‌عمل آید سیره معصومان (ع) نشان می‌دهد که آنان برای اثبات جرم تلاش نمی‌کرده‌اند، بلکه برای پوشیدن آن می‌کوشیدند. در خبری از امام علی (ع) آمده است: «هرگاه مؤمنی را در حال ارتکاب فحشا ببینم، با پارچه روی او را می‌پوشانم، زیرا راه توبه میان او و خداوند باز است» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳: ۴۲۶/۲).

ماده ۱۰۲ قانون این دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی باشد که در این صورت تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی انجام می‌شود.» بنابراین طبق این ماده چنین حقی نه برای ضابطین قضایی و نه برای هیچ‌کس دیگر، حتی قاضی دادگستری وجود ندارد، مگر این‌که شوهر یا همسایه‌ای شکایت کند و براساس شکایت وی مراجع وارد عمل شوند یا برای مثال خانمی که مورد تعرض قرار گرفته، می‌تواند شکایت کند که در این زمان مراجع می‌توانند وارد عمل شوند.

در قانون مجازات ایران با آن‌که ماده ۱۰۵ ق.م.ا. ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: «حاکم شرع می‌تواند در حق‌الله و حق‌الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند. اجرای حد در حق‌الله متوقف به درخواست کسی نیست، ولی در حق‌الناس اجرای حد متوقف به درخواست صاحب حق می‌باشد»، ولی نظر به این‌که قانون‌گذار ادله اثبات جرم زنا را در فصل دوم قانون مجازات اسلامی مذکور تحت عنوان راه‌های ثبوت زنا در دادگاه شمارش کرده است و اشاره‌ای به علم قاضی نمی‌نماید و نیز باتوجه به ماده ۹۹ همان قانون که در مقام بیان «بازگرداندن یا بازنگرداندن زانی پس از فرار از گودال فقط متعرض اقرار و شهادت گردیده، اشاره‌ای به علم قاضی نمی‌نماید تردیدی باقی نمی‌ماند که در حقوق موضوعه ایران،

داشت؛ ثانیاً بازدارندگی خود را از دست خواهد داد و قانون، عبث خواهد گشت.

۲- رویکرد فقه

یکی از مباحث مهم در حقوق کیفری اسلام بحث تأثیر مصالح و مفاسد در اجرای مجازات است، به نحوی که در روایتی از حضرت امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «حد در سرزمین دشمن اجرا نمی‌شود، چون خوف این وجود دارد که کسی که حد خورده به دشمن پناهنده شود» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳: ۴۴۵/۲). «بنابراین در بحث رجم نیز که تمام دشمنان اسلام و انقلاب منتظرند اجرای رجم را بهانه‌ای برای تخریب اسلام و نظام اسلامی قرار دهند و با تشویش افکار عمومی، زمینه الحاق برخی از مسلمین را به صفوف دشمن فراهم سازند، عملاً امکان اجرای رجم وجود ندارد. به این معنی که شرایط برای اجرای این حد مهیا نیست، لذا شایسته است از احکام ثانویه در این موضوع استفاده شود» (کدخدایی و باقرزاده، ۱۳۹۰: ۶۲). باتوجه به دیدگاه فقهی که از مرحوم امام خمینی، مقام معظم رهبری و سایر مراجع عظیم الشان در این موضوع وجود دارد، قانون‌گذار ترجیح داده است از حکم ثانویه در این موضوع استفاده کند، لذا در مواردی که زنا محصنه با شهادت اثبات شود که حکم آن، قتل از طریق رجم است، حد قتل و در صورت اثبات زنا محصنه با اقرار یا علم قاضی، حد جلد مقرر شده است، چون در فرض اثبات زنا محصنه با اقرار احتمال فرار یا رجوع از اقرار در هر زمانی متصور است. همچنین در خصوص اثبات جرم با علم قاضی به دلیل آن که اصل اثبات رجم با علم قاضی محل اختلاف در میان فقها است، حد جلد پذیرفته شد.

ممکن است گفته شود در صورت تعذر رجم، دلیلی بر ثبوت حد جلد نیز وجود ندارد و باید تعزیر شوند. این سخن تام نیست، چرا که اولاً اصل زنا اثبات شده است که آیه شریفه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» مجازات اصلی آن حد جلد است؛ ثانیاً اجرای رجم متعذر است، نه اجرای حد و طبق قاعده «الضرورت تتقدر بقدرها» (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۱۵۳)؛ لازم است به مقدار ضرورت اکتفا کرد؛ ثالثاً در روایتی از امام صادق (ع) در خصوص سقوط حد رجم با انکار بعد از اقرار آمده است:

مثل نهی توبیخ، شلاق، زندان و ... شلاق حدی، تبعید و در نهایت در شکل بسیار هنجارشکن در صورتی که تحت شرایط بسیار سختگیرانه به اثبات برسد، چه بسا به سنگسار ختم شود.

اسلام برای فرد مجرد که شرایط تأمین نیاز جنسی را ندارد و ممکن است بر اثر فشار نیروی جنسی مرتکب زنا شود حکم سنگسار صادر نمی‌کند و تا سه مرتبه او را تازیانه می‌زند و اگر به این عمل خود مبادرت ورزد از نظر اسلام دیگر عمل او از روی تحریک نیروی جنسی و یا جنون آنی نیست، عمل او فحشا و اصرار بر فحشا است، از دیدگاه این مکتب چنین فردی برای جامعه و خانواده و مسلمانان مانند یک غده چرکین است که نیست و نابود شود و از این رو برای بار چهارم مجازات سخت اعدام را صادر می‌کند (کدخدایی و باقرزاده، ۱۳۹۰: ۶۸-۳۹).

زنا محصنه نشان از بی‌باکی مجرم و عذرناپذیری او دارد و خطر بیان کنی نسبت به جامعه دارد، زیرا برای او امکان ارضا غریزه وجود داشته و اقدام او خیانت به نظام خانواده می‌باشد و ضرر حاصل از کنار گذاشتن این حکم بسیار بیشتر از اجرای آن است، زیرا از جمله دلایل وضع این حد برای زناکار که در روایات بیان شده مسأله قطع و ضایع شدن نسل و توجه نکردن به مسائل تربیتی است (قمی (شیخ صدوق)، ۱۳۱۴: ۴۵۴/۴).

با وجود این، می‌توان گفت که سیاست کیفری اسلام بیشتر بازدارنده است تا اجرای آن، از این رو مثلاً برای اجرای حد زنا لواط و جرایم عفاف‌شیرایی را بیان می‌کند که مشخص می‌کند هدف اسلام بیشتر جلوگیری از اشاعه فحشا و علنی شدن بزهکاری در جامعه است تا اجرای مجازات.

بنابراین گرچه برخی از این مجازات‌ها مانند سنگسار به ظاهر سنگین به نظر برسد، ولی اسلام راه‌های اثبات آن را چنان محدود کرده است که عملاً به ندرت اتفاق می‌افتد، اما در عین حال، ترس از آن به عنوان یک عامل بازدارنده قوی و مؤثر روی افراد منحرف و غیرقابل کنترل، اثر خود را خواهد گذاشت (بهشتی و واحد جوان، ۱۳۹۰: ۵۰-۳۵). از سوی دیگر شرایطش را غیرقابل اثبات هم نکرده تا عملاً اجرای حکم منتفی گردد، زیرا در این صورت اولاً با حکمت وضع احکام منافات خواهد

باتوجه به اصل اصالت‌الصحه، فرضاً اگر کسی یک لیوان حاوی مایعی را بنوشد، در صورتی که نمی‌دانیم این مایع آب است یا شراب، اصل بر صحت است، یعنی باید بگویید که آب نوشیده است (صالح ولیدی، ۱۳۷۱: ۳۵). باتوجه به مطالب فوق ادله استنباط احکام در حقوق اسلام محدود می‌باشند، به طوری که اکثر اصولیین آن را چهار تا دانسته‌اند: قرآن، سنت، اجماع و عقل. حال باید دید که ادله استنباط کیفر رجم در فقه و حقوق اسلام، کدام یک از موارد فوق است. از مهم‌ترین ادله استنباط احکام قرآن هست که بیشتر از آن به کتاب تعبیر می‌شود و اهمیت آن این است که اساس دین اسلام و کلام خداست و اهمیت آن برای استنباط احکام بدیهی است و نیازی به توضیح ندارد؛ دومین ادله استنباط احکام اسلامی سنت است و اصولیین آن را چنین تعریف کرده‌اند: سنت عبارت از قول یا فعل یا تقریر معصوم (ع) در امور دینی است (محمدی، ۱۳۸۱: ۲۸۶).

منظور از قول و فعل، گفتار و کردار و منظور از تقریر سکوت و رفتار تأییدآمیز معصوم است، نسبت به فعل یا عقیده‌ای که در حضور ایشان انجام یا طرح شده و آن را رد نکرده باشند. عدم رد سکوت معصوم تأیید ضمنی واقعه‌ای است که رخ داده و حجت و دلیل است، البته سکوت معصوم در صورتی که ناشی از خوف یا جهالت دیگری باشد، نمی‌تواند دلیل جواز واقعه باشد. این گونه احتمالات باید ثابت شود و تا ثابت نشده تقریر معصوم حجت خواهد بود. باتوجه به مطالب فوق سنت دو قسم است یا قولی است یا فعلی و حجت و اعتبار سنت نبوی (ص) مسلم و اجماعی است و احتیاجی به استدلال ندارد، چراکه خود قرآن در این زمینه می‌فرماید: «و ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا؛ آنچه فرستاده خدا بدهد یا بگوید فرا گیرید و آنچه که نهی می‌کند، بپذیرید.» همچنین تصریح می‌کند که آنچه محمد می‌گوید کلام و وحی الهی است: «و ما ینطق عن الهوی، ان هو الا و وحی یوحی؛ او از روی هوس سخن نمی‌گوید و آنچه می‌گوید، سروش عالم غیب است.» «باوجود این بخشی از نصوص قانونی حقوق جزای اسلام در رابطه با سنت است، سنت ممکن است بر سه گونه باشد: ۱- سنتی که حکم وارد در کتاب را تأکید می‌کند و در این صورت مأخذ آن حکم، هم کتاب و هم سنت است، مثل حرمت قتل عدوانی، سرقت و زنا و ... ۲- سنتی که حکم مجمل کتاب را تفسیر و تفصیل

«و لَکِن کُنْتُ ضَارِبَهُ اَلْحَدَّ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۲۰/۷) که دال بر عدم سقوط حد جلد در صورت سقوط حد رجم است.

برخی از فقهای معاصر نیز صریحاً به تبدیل رجم به قتل و یا شلاق بنا بر منهج مذکور در ماده فتوا دادند. همچنین برخی از فقهای معاصر، امکان تبدیل حکم رجم به انواع دیگر را در صورت ممکن نبودن اجرای حد رجم پذیرفته‌اند.

به نظر می‌رسد باتوجه به آن که در فرض فرار شهود، حد رجم ساقط می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۶۴/۴۱)، حتی در صورت اثبات زنا، محصنه با بینه نیز حکم قتل متعین نیست و احتمال رجوع از شهادت، فرار شهود و نتیجه، احتمال سقوط رجم وجود دارد. بنابراین تبدیل حکم رجم به قتل در فرض اثبات زنا، محصنه با بینه نیز بر خلاف احتیاط است، مگر این که گفته شود در اجرای حد قتل نیز در فرض تبدیل رجم به قتل، هرگاه شهود از شهادت رجوع کنند یا به سبب فرار از اجرای حد قتل، در هنگام اجرای مجازات حاضر نشوند به دلیل شبهه در اصل اثبات زنا، حد قتل ساقط می‌شود.

در اکثر کشورهای متمدن و مترقی جهان، اصلی تحت عنوان اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها پذیرفته شده است که مورد تأیید و قبول سیستم حقوقی کشور ما نیز می‌باشد، ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر مقرر می‌دارد: «... کسی نباید مجازات شود، مگر به موجب مقرراتی که قبل از ارتکاب آن تصویب و منتشر شده باشد و این مقررات بایستی برطبق اصول قانونی به کار برده شود.»

این اعلامیه حقوق بشر که در طی آن ماده ۸ را تصویب نموده، در سال ۱۷۸۹ شکل گرفته است، در صورتی که در «شریعت دین اسلام، دوازده قرن قبل از اعلامیه حقوق بشر و اجرای آن در کشورهای اروپایی، برای حفظ امنیت قضایی افراد و مصونیت آن‌ها از تعقیب کیفری و مجازات، تحقق جرم و اجرای مجازات را موقوف به وجود نص قانونی و یا حکم شارع کرده است و قاعده فقهی قبح عقاب بلا بیان و ... ضرورت رعایت خصیصه قانونی بودن جرم را در فقه اسلامی توجیه کرده و مورد تأکید قرار داده است (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۹) و دو اصول دیگر، یعنی اصاله‌الصحه و اصل الاباحه در قواعد فقهی مؤید این امر است، بدین معنی که در هر امری اصل بر صحت آن است،

آن‌ها را به نام صورتها به حکمیت تعیین فرمود و وی را سوگند داد که حکم اصلی تورات را بیان کند. وی به حکم رجم بزهکار اعتراف نمود، پس این آیه نازل شد و از این آیه به انضمام تفسیر مزبور این نتیجه گرفته می‌شود که حکم زنای محصنه رجم است (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۴: ۳۱۳).

علاوه بر سنت قولی، سنت عملی در این زمینه موجود است که در زمان پیغمبر (ص) حکم زنای محصنه رجم بوده است. از جمله آن، قصه ماعز می‌باشد. عبارت ابوالفتح در این باره چنین می‌باشد: «بریده روایت کند و گوید: ماعز بن مالک به نزدیک رسول آمد و گفت: یا رسول الله! زینت فطهرنی؛ من زنا کرده‌ام، مرا پاک کن.» رسول اکرم (ص) فرمود: «برو توبه کن و آمرزش خواه از حق تعالی؛ پاره‌ای برفت پس باز آمد و گفت: «یا رسول الله! زینت فطهرنی» رسول همان بگفت. برفت و پاره‌ای باز آمد و همان سخن را گفت و رسول همان جواب را داد. تا چهار بار، به بار چهارم رسول گفت: تو دیوانه‌ای. گفت: نه. از صحابه پرسید و گفت: از این دیوانگی هیچ دانی، گفتند نه یا رسول الله. گفت: بنگری تا مست هست، بدیدند مست نبود، رسول اکرم (ص) گفت: زنا کردی محصن بودی، گفت: بلی، رسول اکرم بفرمود او را رجم کردند...» (شهابی، ۱۳۶۶: ۲/۲۵۶). از جمله سنت‌های فعلی نسبت به کیفر رجم می‌توان رجم زن غامدیّه را بیان نمود: «در سال نهم هجرت پیغمبر (ص) زن غامدیّه را رجم فرمود و آن قضیه، بنا به نقل شبیر بن مهاجر از پدرش بدین قرار بود که مهاجر گفته است: نزد پیغمبر نشسته بودم که زنی از غامد بر وی درآمد و گفت: یا رسول الله زنا داده‌ام و می‌خواهم مرا پاک سازی. پیغمبر (ص) فرمود برگرد، روز دیگر باز آمد و گفته خویش را تجدید کرد و پاسخ پیش را دریافت. روز سیم گفت: شاید بخواهی مرا چون ماعز بن مالک برگردانی به خدا سوگند من هم‌اکنون آبستن هستم. پیغمبر فرمود: بازگرد تا بار خود را بنهی چون بچه‌اش متولد شد او را نزد پیغمبر (ص) آورد و گفت: این بچه من است، پیغمبر (ص) فرمود او را شیر بده تا از شیرش بازگیری، چون بچه را از شیر بازگرفت، او را درحالی‌که پاره نان در دست می‌داشت، نزد پیغمبر (ص) آورده و گفت: او را از شیر بازگرفتم. پیغمبر (ص) بچه را به مردی از مسلمین داد و فرمود محلی را گور کردند و آن زن را تا سینه در آنجا قرار دادند و آنگاه مردم

می‌دهد یا مطلق کتاب را مقید می‌کند یا عام کتاب را تخصیص می‌زند. در این صورت آن بیان و تفسیر و تخصیصی که در سنت آمده است، مراد از حکم وارد در کتاب را بیان می‌کند، زیرا خداوند این حکم را به رسول خدا (ص) داده است که نصوص قانونی قرآن را بیان کند، چراکه می‌بینیم بسیاری از احکام که در کتاب آمده است، به صورت کلی قانون‌گذاری شده و سنت متکفل بیان چگونگی و جزئیات آن است، از قبیل صلوه و صوم و زکوه و...؛ ۳- سنت مستقیماً حکمی را قانون‌گذاری می‌کند، درحالی‌که در قرآن چنین حکمی وجود ندارد، در این صورت مأخذ این حکم فقط سنت است» (فیض، ۱۳۷۳: ۱۶۴). سنت پیغمبر اکرم (ص) دومین اصل مهم استنباط حقوق اسلامی است، نوشته نمی‌شود و پیغمبر (ص) نظر به اهمیت و ارزش فوق‌العاده‌ای که برای قرآن قائل بودند، اجازه نمی‌دادند جز آیات قرآن چیزی نوشته شود تا مبدا بین آن‌ها اشتباهی رخ دهد (فیض، ۱۳۷۳: ۱۶۴).

در سوره مبارکه مائده در آیه ۴۱ فرموده است: «ای فرستاده خدا برای آن‌ها که در مسیر کفر شتاب می‌کنند و با زبان می‌گویند: ایمان آورده‌ایم و قلب آن‌ها ایمان نیاورده، خود را اندوهگین ن ساز، همچنین گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می‌دهند تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند؛ آن‌ها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نیز نزد تو نیامده‌اند.» آن‌ها سخنان را از مفهوم اصلی‌اش تحریف می‌کنند و به یکدیگر می‌گویند: «اگر این که ما می‌خواهیم به شما داده شد و محمد (ص) بر طبق خواسته شما داوری کرد، بپذیرید و گرنه از او دوری کنید، ولی کسی را که خدا بر اثر گناهان پی در پی او بخواهد مجازات کند، قادر به دفاع از او نیستی آن‌ها کسانی هستند که خدا نخواسته دل‌هایشان را پاک کند و در دنیا رسوایی و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد.» در سبب نزول این آیه از امام باقر (ع) نقل شده است که یکی از بزرگان یهود خیبر با زن شوهر داری زنا کرد خویشان وی که نمی‌خواستند به حکم تورات سنگسارش کنند به گمان این‌که حکم اسلام نسبت به زانی خفیف‌تر است، وی را به مدینه پیش یهودیان بنی قریظه فرستادند تا از پیغمبر (ص) درباره او استفسار کنند. حضرت فرمود: آیا به حکم من راضی می‌شوید، گفتند بله. پیغمبر فرمود: حکم وی رجم است، ایشان نپذیرفتند. حضرت یکی از احبار

عدم امکان اجرای رجم می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد و قانون‌گذار برای ذکر نکردن دلایل عدم امکان اجرای مجازات و فلسفه‌ای داشته که می‌توان این فلسفه را چنین تعبیر کرد: نظر به وجود دلایل متعدد و بعضاً دلائلی که بعداً حادث گردد، دست قاضی را برای استدلال باز گذاشته و از دامنه مفاسد مترتب بر اجرای مجازات کاسته است. دلیل عدم امکان اجرای مجازات می‌تواند حدوث اغتشاش و درگیر و بی‌آبرویی خانواده و فرزندان مجرم تا پیامدهای ناگوار و اتهاماتی که در عرصه بین‌المللی نسبت به نقض حقوق بشر و اجرای مجازات‌های غیرانسانی بر کشورمان و قوانین اسلامی آن وارد می‌آید، تلقی کرد.

چنانچه دلائل عدم امکان اجرای حکم بر قاضی اجراکننده حکم محرز گردد، وی این موارد را به قاضی دادگاه صادرکننده حکم قطعی اطلاع می‌دهد و قاضی دادگاه صادرکننده حکم قطعی نیز تبدیل را به رییس قوه قضاییه پیشنهاد می‌دهد.

در صورت اثبات جرم با بینه مجازات رجم به اعدام بدل می‌گردد: اگرچه در هر دو مجازات رجم و اعدام هدف سلب حیات مجرم است و عوارض و مفاسد حاکم بر این جرم بسیار وسیع است و علی‌رغم اعتقاد همه حقوق‌دانان و فقها و عقل انسانی بر قبح بودن جرم زنا نظر برخی حقوق‌دانان و فقها بر این است که با اعمال تغییراتی این‌چنینی، ضمن مجازات مجرم و پیشگیری از ارتکاب آن توسط دیگران بهتر است اجرای آن به‌نحوی باشد که از مشکلات بعدی که ممکن است حادث شود، جلوگیری کند. با توجه به مطالبی که ذکر شد، درمی‌یابیم که قانون‌گذار و شارع نیز اصراری بر اجرای این مجازات ندارند و بیشتر به جنبه بازدارندگی توجه داشته‌اند، لذا با تلفیق راه‌های پیش‌گفته بهتر این است که تنها مجازات اعدام در خصوص جرم زنا محصنه اجرا شود و از اجرای حکم سنگسار خودداری شود که در این صورت هم به فقه پایبند مانده‌ایم و هم مشکلات و عواقب بعدی حاصل از اجرای مجازات را از بین برده‌ایم و منتقدین نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دستاویزی برای ایجاد مشکل علیه جمهوری اسلامی ایران نخواهند داشت.

نتیجه‌گیری

عدم رعایت اصل تناسب جرم و مجازات، عدم سازگاری با فطرت انسانی از مهم‌ترین موانع حقوق بشری اجرای مجازات

را بفرمود او را سنگسار کردند... از آن پس بر او نماز خواند و دستور دفن داد» (شهابی، ۱۳۶۶: ۳۲۳/۲).

۳- رویکرد حقوق کیفری ایران

در جامعه کنونی ایران حکم سنگسار یا رجم با انتقادات و برخوردهای تندی از سوی حقوق بشر و فعالان مدنی روبه‌رو شده است، لذا طی سال‌های اخیر انجام مجازات سنگسار در مناطقی گزارش شده است که دارای سطح سواد، فرهنگ و آموزش پایین‌تری نسبت به بقیه مناطق بوده است. به همین دلیل در قانون جدید مجازات سال ۱۳۹۲ امکان تبدیل این مجازات به اعدام و شلاق فراهم گردیده است. مطابق ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم می‌باشد. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه در صورتی که جرم با بینه اثبات شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این (یعنی اثبات از طریق ادله دیگر) صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر کدام خواهد بود.» «برخلاف تصور برخی مجازات رجم از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ حذف نشده است. قانون‌گذار در ماده ۲۲۵ قانون جدید صراحتاً آورده است که: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است»، البته در ادامه این ماده تغییرات جدیدی را شاهد هستیم، به این صورت که در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه، چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد» (محمدزاده، ۱۳۹۸: ۱۶۱). این ماده از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول آن که مجازات زانی محصنه است، سابقه تقنینی دارد و تغییر اساسی نکرده است، اما قسمت دوم ماده که از مباحث جدید این قانون می‌باشد، بسیار کاربردی است و در وضعیتی که به دلایل مختلف امکان اجرای حد جرم وجود ندارد و شرایط اجرای رجم آماده نیست، راه حل قانونی ارائه می‌دهد تا از مشکلات متعدد جلوگیری شود.

منابع و مأخذ

- ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۹۸۵). *الطرق الحکمیة فی السیاسه الشرعیة*. چاپ اول، جده: دار المدنی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵). *لسان العرب*. جلد پنجم، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بهشتی، احمد و واحد جوان، وحید (۱۳۹۰). «بررسی حکم رجم و اجرای آن در زمان غیبت کبری». *نشریه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی*، ۸(۲۶): ۳۵-۵۰.
- تمیمی مغربی، قاضی ابوحنیفه نعمان بن محمد (۱۳۸۳). *دعائم الاسلام*. جلد دوم، چاپ دوم، مصر: دار المعارف.
- حر العاملی، محمد (۱۳۹۱). *وسائل الشیعه*. جلد هجدهم و بیست و هشتم، چاپ چهارم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- زرقا، مصطفی (۱۴۲۵). *الفتاوی*. چاپ دوم، دمشق: دار القلم.
- شهابی، محمود (۱۳۶۶). *ادوار فقه*. جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صالح ولیدی، محمد (۱۳۷۱). *حقوق جزا (مسئولیت کیفری)*. چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- فیض، علیرضا (۱۳۷۳). *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام*. چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۱۴). *من لایحضره الفقیه*. جلد چهارم، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کدخدایی، محمدرضا و باقرزاده، محمدرضا (۱۳۹۰). «بررسی حکم سنگسار از منظر فقه و حقوق بشر». *نشریه اندیشه های حقوق عمومی (معرفت حقوقی)*، ۱(۲): ۳۹-۶۸.
- کدیور، جمیله (۱۳۸۸). «اجرای سنگسار در زمان غیبت معصوم با تأکید بر دوران معاصر». *فصلنامه فقه و مبانی حقوق*، ۵(۱۵): ۱۳۵-۱۶۰.

رجم است. تحقق شرایط ثبوت، اثبات و اجرای مجازات سنگسار به حدی دقیق، نادر و سختگیرانه است که عملاً امکان تحقق آن را به حداقل می‌رساند. اگر در برهه‌ای از زمان اجرای این حکم یا احکام دیگر مخالف مصالح نظام اسلامی بوده و موجب وهن اسلام شود، ولی فقیه یا حاکم شرع می‌تواند باتوجه به مصالح اسلام و نظام اسلامی تصرفاتی در کیفیت اجرای این حکم و یا تغییر اصل آن انجام دهد. پیشنهاد می‌گردد باتوجه به مفاد ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مقرر داشته: «... در صورت عدم امکان اجرای رجم...» این ماده به صورت دقیق مورد تحلیل و بررسی کمیسیون حقوقی قرار گیرد و یا در صورت امکان اصلاح و بازنگری شده که عدم امکان اجرای این حکم به صورت دقیق شقوق و مصادیق آن بیان گردد. رسیدگی به جرایم حدی و اجرای آن را به قضاتی ارجاع دهیم که فقیه و جامع‌الشرایط باشند که نسبت به سایر قضات آگاه‌تر و برخوردار از علم فقهت باشند، چراکه پیاده کردن حدود الهی شرایط خاص خود را می‌طلبد. پیشنهاد می‌گردد که در مورد مجازات جایگزین، به مجازات کمتر از قتل اکتفا نشود، چراکه این امر موجبات سستی بنیان مقدس خانواده را فراهم می‌سازد و در شأن و منزلت یک جامعه اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران نیست.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش انجام‌شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش و تنظیم مقاله مشترکاً توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی انجام گرفته است.

- کلانتری، کیومرث (۱۳۸۸). «تحلیل علمی از یک پرونده کیفری (زنای محصنه و اثبات آن)». نشریه پژوهش حقوق عمومی، ۱۱(۲۶): ۳۱۸-۲۹۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد (۱۳۶۵). *الأصول من الکافی*، جلد هفتم، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- محمد زاده، علی اکبر (۱۳۹۸). «تحولات تقنینی سنگسار در قانون مجازات جدید با نگاهی به دیدگاه مذاهب اربعه»، *مجله مطالعات حقوقی*، ۲(۲۹): ۱۶۹ - ۱۸۴.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۱). *مبانی استنباط حقوق اسلامی*. چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۸۴). *آیات الاحکام*. چاپ پنجم، قم: انتشارات مهر.
- مصطفوی، سیدمحمد کاظم (۱۴۲۱). *مائه قاعده فقهیه*. چاپ چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مؤمنی، عابدین (۱۳۸۲). *مشروعیت رجم و حد یا تعزیر بودن آن از دیدگاه مذاهب اسلامی*. چاپ اول، تهران: انتشارات خطر سبز.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. جلد چهل و یکم، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۲۶). *الجامع الصحیح*. جلد یازدهم، چاپ چهارم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.